

قضیه بیخ پیدا کرد ...

از این کانال به آن کانال پارازیته



پوریا عالمی

• به نظر ما خیلی فاجعه است که صداوسیما این‌همه کانال و این‌همه بودجه داشته باشد، بعد مرجع مردم یک کانال تلگرام باشد که معلوم نیست کی با چه حالتی در کجا مشغول پیکردن آن است.

واقعا اگر ما جای رئیس تلویزیون بودیم، کانال‌های تلویزیون را می‌بستیم جاش کانال تلگرام راه می‌انداختیم. بدبختی اینجاست که الان کانال‌های تلویزیون از کانال‌های تلگرام مخاطب کمتر دارد. حالا شما فکر کن مثلا کانال شبکه یک و دو و سه و اینها را راه بیندازند، آنها سرجمع ۱K هم بازدیدکننده نداشته باشند. باور کنید که خود دندان عقل ما سه‌تا کانال دارد، بعدا با دوتا کرم که مدام باباکرم می‌آیند در دهان و دندان ما، بیشتر ما را سرگرم می‌کند تا تلویزیون شما که ۳۰۰ تا کانال دارید.

ما می‌گوییم شما که دسترسی به مدیران کانال‌های تلگرامی دارید! خب همین بندگان خدا را بیاورید تلویزیون کانال‌هایتان را مدیریت کنند. ما واقعا جای این اساتید بودیم آب شده بودیم. چرا؟ فکر کن شما هسی بگویی تلویزیون ملی، تلویزیون ملی، بعد ملت هر چهارسال یک‌بار بیایند سراغت، آن‌هم موقع انتخابات، بعد سریع بزنند آن کانال‌های دیگه.



بیخ قضیه

ما با شما شرط می‌بندیم اگر به صورت اتفاقی تلویزیون کلا برنامه پخش نکنن، اولین نفری که متوجه قطع برنامه‌ها خواهد شد، دقیقا شش هفته دیگر است. آن‌هم به این دلیل که طرف داشته نصفه‌شبی ماهواره نگاه می‌کرده، یکهو خانواده‌اش سرزدد از راه می‌رسند، او هول می‌کند و می‌زند کانال ایران که می‌بیند چیزی پخش نمی‌کند. می‌گویید نه؟ سر یک نهار شرط می‌بندم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ • ۴ شعبان ۱۴۳۸ • ۱ می ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۵۲ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۰ • اذان صبح فردا ۴:۳۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۱

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی

کمک ۱۲/۵ میلیون دلاری ژاپن به شرکت کنترل کیفیت هوای تهران



دسترسی آسان با خانواده بزرگ

Door-in-Door™



لحظات ناب را از دست ندهید

جشنواره یخچال‌های همیشه بهار جهت اطلاع از شرایط جشنواره می‌توانید به وب سایت www.goldiran.ir مراجعه فرمایید.

مرکز ارتباط مشتریان (۲۴ ساعته بدون تعطیلی) ۰۲۱-۸۴۷۳۳۳

پیام کوتاه: ۰۸۴۷۳۳۳-۳۰۰



گلدیران
روی خوشی زندگی

سلام به فردا

پاسخ به ۳ سؤال درباره تفاوت‌های ۲ دولت در برخورد با یک مسئله ملی

تغییرات ملموس در خلیج فارس

شود. البته گاه اتحادیه کشورهای خلیج فارس، از نام جعلی خلیج عربی استفاده می‌کنند یا ادعاهایی را درباره جزایر ایرانی خلیج فارس به میان می‌آورند اما نیازی به واکنش فوری و بروز حساسیت‌های عجیب در این زمینه نیست. گاه کافی است که دولت به صورت رسمی در برابر این حاشیه‌سازی‌ها وارد عمل شود.

نام خلیج فارس، در فرهنگ ملل مختلف و زبان‌های گوناگون جهان به ثبت رسیده و تمامی نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد آن را به رسمیت می‌شناسند و دیگر قابل تغییر نیست اما از یاد نبریم که وقتی شخصی مثل محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور می‌شود که با شعارهای خاد و غیرعملی خود، کشور را در مسیر انزوای جهانی قرار می‌دهد، افکار عمومی دنیا علیه او می‌شورد. در چنین شرایطی است که آنها احساس می‌کنند خدشه‌واردکردن به نام خلیج فارس می‌تواند نوعی انتقام‌جویی از نفرت‌پراکنی‌های احمدی‌نژادی باشد. حال اما در شرایطی عادی و در زمانی که باب‌گفت‌وگو با دنیای بیرون باز شده است، آنها نیز ناچارند به نام خلیج فارس احترام بگذارند و – شاید حتی به ناچار– احترام آن را رعایت کنند.

نیستند چراکه این مسئله با تمامیت ارضی و استقلالشان زاویه دارد. از سوی دیگر سوابق تاریخی این کشورها و حضور اقلیت‌های ایرانی در میان مردم آنها یادآور این نکته است که اگر شاهد تندروی مخالفان دولت نباشیم، می‌توان به روابط توأم با احترام میان دولت‌های کشورهای همسایه خلیج فارس امیدوار بود.

تاریخ یادآوری می‌کند که حضور خودخوانده آقای احمدی‌نژاد در اجلاس سران کشورهای عربی، بزرگ‌ترین لطمه را به موقعیت ممتاز ایران در منطقه وارد کرد. چالش‌های به‌وجودآمده در آن دوره باعث شد کشورهای عربی که تدریجا روابطی را با اسرائیل برقرار کرده بودند، بخواهند موقعیت ایران و اسرائیل را جابه‌جا و توجهات خصمانه همسایه‌ها را به سمت ایران منتقل کنند تا به نوعی ارتباط خود با اسرائیل را پوشش دهند. درحال‌حاضر به نظر می‌رسد این روند در دولت یازدهم تغییر کرده است. بهترین راه برای ایران در این زمینه این است که جز در عراق و سوریه که حمایت از خواسته‌های اکثریت مردم در اولویت است، مسائل جهان عرب را به خود آنها واگذار کند و چنانچه در مسائلی نیاز به پشتیبانی بود، این حمایت در قالب خواسته‌های عربی مطرح

مهر خرد

جشنواره جهانی فیلم، یک فستیوال معتبر و استاندارد

• **مهرزاد دانش:** معمولاً وقتی از اقدامات مثبت در حوزه سینما در دوران دولت حسن روحانی یاد می‌شود، عموماً به دو نکته بازگشایی خانه سینما و نیز راه‌اندازی گروه هنر و تجربه اشاره می‌کنند. این دو، البته قدم‌های مهمی در مهار بحران‌های صنفی و نیز سامان‌یافته‌ترشدن وضعیت اکران فیلم‌های خاص‌تر بودند. ولی یک اقدام دیگر که جلوه‌اش را همین هفته گذشته شاهد بودیم، معمولاً در این یادآوری‌ها فراموش می‌شود و آن عبارت از احیای بعد بین‌المللی جشنواره فیلم فجر است؛ روندی که اکنون سومین دوره‌اش نیز سیری شد و مخصوصاً از سال قبل که سیدرضا میرکریمی متولی اداره آن شد، نشانه‌های ارتقا و بهبود بهره‌روشنی در فضایش هویداست.

جداسازی بخش خارجی جشنواره فیلم فجر از بخش داخلی، با وجود اینکه منتقدانی داشت و دارد، اقدامی بسیار درست بود. واقعیت آن است که جشنواره فجر ما که هر سال بهمن‌ماه برگزار می‌شود، کمتر نشانی از یک فستیوال سینمایی شسته‌رفته با معیارهای متعارف دارد و علت آن هم به کارکرد پیچیده‌ای برمی‌گردد که در بافت این سینمایی تأمین کند. این جشنواره، نامش جشنواره است؛ ولی موقعیت وجودی‌اش به یک دورهمی و محفل هنری، مدیریتی، صنفی، سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، جامعه‌شناسانه و... نزدیک‌تر است. در جشنواره فجر قرار است بیان سیاست‌گذاری یک‌ساله مدیران سینمایی ارشاد در معرض ارزیابی ناظران قرار داده شود، وضعیت جواز نمایش فیلم‌ها معلوم‌تر شود، فیلم‌سازها در بازخوردهایی که از مخاطبان می‌بینند اصلاحات مقتضی در آثارشان انجام دهند، سینمادوستان یا علاقه‌مندان به سلب‌رتی‌های سینمایی به تفریح‌شان برسند، منتقدان سینمایی نقدشان را بنویسند، جناح‌های سیاسی بیانیه‌های خود را به بهانه نفی و اثبات فیلم‌ها علیه یا له دولت بنویسند، اکران سال آینده مشخص‌تر شود و... در چنین وضعیت پریزواپ‌ای، حالا اگر قرار باشد فیلم‌های خارجی هم در زمینه‌های مختلف منطقه‌ای، موضوعی، هنری، تاریخی و... به نمایش درآیند و با هم رقابت کنند، کار به همان اوضاعی می‌کشد که تا قبل از دولت یازدهم برقرار بود؛ اینکه عموم این آثار دیده نمی‌شد و در غبار حبجوبه و جنجال‌های جاری در بخش فیلم‌های ایرانی اهمیت‌شان گم می‌شد.

کار بزرگ میرکریمی و همکارانش در اعتباربخشی دوباره به وجهه بین‌المللی این جشنواره از طریق اختصاص زمان و مکان جداگانه برگزاری‌اش از یک طرف و تمرکزسازی و طراحی هدفمند بر معرفی و نمایش فیلم‌های مطرح جهان فارغ از گنده‌نمایی‌های بی‌برنامه‌ای که تا قبل از این در نمایش غیرمنضبط هر فیلمی از هر کجا برقرار بود از طرف دیگر تشکیل‌سازی استاندارد کم‌وکیف حضور علاقه‌مندان در جشنواره و نظم قابل تحسین امور رسانه‌ای آن از جانی دیگر، حالا دیگر این اطمینان را به وجود آورده است که می‌توان به افق‌های بالاتر و مهم‌تر در سال‌های بعد اندیشید. جشنواره جهانی فیلم فجر، حالا یک فستیوال منطبق بر تعریف‌ها و معیارهای فرهنگی و جهانی است و این دستاورد اندکی نیست. بلکه... محفل‌هایی هم هستند که عمدتاً بنا بر وابستگی‌شان به عناصر جناحی و قدرت‌خواه دولت پیشین، همواره با غرولنده‌های رقت‌بار در باب اینکه هزینه فلان بخش چقدر شد و چرا همسایه باجناق پسرعموی مدیر فلان بخش در جشنواره دارد راه می‌رود و چرا فلان فیلم ترسناک ما را ترساند، وظیفه تشکیلاتی/سیاسی خود را انجام می‌دهند و صداالته عرض خود می‌برند، بی‌آنکه زحمت کسی

رازهای تهران – ۷

چلو کبابی مرشد

صاحب‌کارهای خود غذا بگیرند. مرشد به تمام این شاگردان توجه ویژه‌ای داشت و مقید بود لقمه‌ای تدیدک و کباب به دهان هر کدام آن‌ها بگذارد. یاد آن کلام ماندگار می‌آفتم که گفته بود: «هر کس که در این سرا درآید، نان‌ش دهد و از ایمانش میرسد چه آن کس که به درگاه باری تعالی به جان ارزد، البته بر خوان بوالحسن به نان ارزد». می‌گفتند مقصود مرشد از این کار دو چیز بود؛ یکی آن‌که دل بچه‌ها آب نشود و دیگر آنکه به غذایی که بایستی به صاحبکارشان برسانند، ناخنک نزنند، مبادا صاحبکارشان راضی نباشد. استاد دینانی، از دوره جوانی و طلبگی در قم، این داستان را نقل می‌کند که هنگام ظهر گرسنه به مغازه‌ای برای صرف نهار رفتم و به شاگرد مغازه که مشغول تمیزکردن آنجا بود گفتم ناهار دارید؟ او همچنان که سر به زیر بود و به‌کارش ادامه می‌داد، گفت: «نه». استاد لایذ تا تندی از او پرسیده که چرا آن ندارد و او با همان روال و رفتار معمولش پاسخ داده است که «عدم به دلیل نیاز ندارد». اینکه یک شاگرد قهوه‌خانه بی هیچ ادعایی تا این حد حاضر جواب باشد و پاسخی فلسفی و از سر دانایی به یک جویای علم بدهد، برای همیشه در ذهن استاد مانده است. استاد بعدها این شاگرد قهوه‌خانه را خوب می‌شناسد، او‌فرزند همین مرشد چلوبی، معروف به طباح تهرانی، است. حیدر آقا معجزه، شعرهایی را برای کریمه اهل بیت، حضرت معصومه، گفته بود که با خط نستعلیق و مقدمه علامه طباطبایی و دبیر فاضل دبیرستان‌های مشهد، جناب آقای فخرالدین حجازی چاپ و منتشر شده است. مرحوم حجازی خطیب و سخنران مشهوری بود که در اولین دوره مجلس شورای اسلامی رای اول تهران را به‌دست آورد. داستان سخنرانی و مدح او از امام که با عکس‌العمل ایشان همراه بود از یادگارهای ماندگار سیره و سلوک امام راحل است. از حیدر آقا، مجموعه شعر دیگری درباره بی‌بی شهربانو، که مدفن منسوب به او در جنوب تهران است، وجود دارد و ظاهراً او تنها کسی است که برای این بانو تا این حد شعر سروده است. یکی از علمای پرهیزگار مشهد، سید جعفر سیدان، نقل می‌کرد که روزی برای دیدن مرشد چلوبی که وصف او را بارها شنیده بودم، به مغازه ایشان رفتم، مغازه شکسته و بسته‌ای را دیدم. در ورودی این حدیث مضملی از امام موسی بن جعفر (ع) به چشم می‌خورد با موضوع وصول به حق و رسیدن به کمالات که از راه جنگ با نفس میسر می‌شود و آن را راه‌حل همه نگرانی‌ها می‌دانست و در پایان از قول معصوم آورده بود که برای مقابله با نفس از خدا کمک بگیرد. آن مغازه بسیار شلوغ بود و مرشد شخصاً به کارهای بسیاری سرگرم بود. غذایش خوب بود، گرفتیم و گوشه‌ای نشستیم و پیش خود گفتم آدمی که سرش آن‌قدر شلوغ است، اهل دل نمی‌شود. در هنگام غذاخوردن، مرشد با ظرفی از روغن سر میزها آمد که روغن اضافی روی غذای مشتری‌ها بریزد، وقتی به من رسید گفتم آقا سید، آدم بایستی دلش خلوت باشد، سرش شلوغ بود، عیبی ندارد. او از دوستان میرزاابوالقاسم عطار و شیخ‌رجب‌علی خیاط بود.

پیشنهاد



به نشانی تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از خیابان امام خمینی، نبش کوچه شهید حسن سخنور، شماره ۲۹ برگزار خواهد شد.

• پژوهشکده هنر، چهارمین نشست از «سلسله‌درس‌گفتارهای تخصصی نظریه و نقد هنر» را با عنوان «نسبت تاریخ هنر با نظریه‌های هنر» با سخنرانی دکتر امیر نصری روز سه‌شنبه برگزار می‌کند.

هدف از برگزاری این درس‌گفتارها بررسی گام‌به‌گام مسائل مهم حوزه نظریه، خیاان و نقد و هنر، تبیین پارادایم‌ها و رویکردهای نظریه و نقد در هنر و بازاندیشی مفاهیم و چالش‌های معطوف به